



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بررسی الگوهای اسلامی پیرامونی مشرفیت

پژوهشگاه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی فرهنگی

دوم خرداد ۱۳۹۸

پرتال جامع علوم انسانی

مدخل

با عنایت به اعلان فراخوان مقام معظم رهبری برای بررسی عمیق سند الگوی پایه پیشرفت توسط دانشگاه‌ها، حوزه های علمیه و صاحب‌نظران، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی اقدام به برگزاری نشست "بررسی الگوی پایه پیشرفت" در دوم خرداد سال ۱۳۹۸ نمود. در این نشست مدیران گروه‌های شورای بررسی متون و اعضای دبیرخانه شورا شرکت داشتند.^۱

در ابتدای این نشست، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به تشریح برنامه‌های پژوهشگاه و به ویژه شورای بررسی متون برای بررسی سند الگوی پایه پیشرفت پرداخت. برخی مسئولان مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز در این نشست حضور داشتند. آقای دکتر زالی وزیر اسبق کشاورزی و یکی از مسئولان مرکز الگو، آقای دکتر پناهی رئیس اندیشکده علوم اجتماعی مرکز و آقای دکتر فرمند مدیرکل نظارت و ارزیابی مرکز الگو در این نشست حضور داشتند. سخنران این نشست آقای دکتر سیدحسین میرجلیلی، دانشیار اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که به بررسی سند الگوی پایه پیشرفت پرداخت. اهمیت بررسی سند الگو از آن جهت است که قرار است پس از نهایی شدن، به عنوان سند بالادستی برای سیاست‌های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین سند بالادستی قوانین برنامه‌ای کشور برای مجلس شورای اسلامی به کار گرفته شود.

مهلت تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری برای بررسی سند الگو به مدت دوسال از مهرماه ۱۳۹۷ است. بنابراین در مهرماه ۱۳۹۹ بررسی‌های انجام شده باید به یک سند منقح برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منجر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اقدامات متعددی را در این زمینه برنامه‌ریزی کرده است که اولین آن، برگزاری نشست بررسی الگوی پایه پیشرفت است. اقدام بعدی پژوهشگاه، برگزاری همایش بررسی متون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است که در ۲۷ تیرماه ۱۳۹۸ انجام خواهد شد.

امید است این اقدامات در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، موثر باشد.

۱. شرکت کنندگان در نشست بررسی سند الگوی پایه پیشرفت عبارت بودند از: دکتر حسینعلی قبادی، دکتر حمید تنکابنی، دکتر مجید توسلی، دکتر عباس خلجی، دکتر بهروز دزی، دکتر محمد رحیم ربانی زاده، دکتر کاوس روحی، دکتر محمد سپهری، دکتر خدیجه سفیری، دکتر عبدالمجید شریف زاده، دکتر سید محسن علوی پور، دکتر غلامحسین کریمی دوستان، دکتر جان‌اله کریمی مطهر، دکتر عیسی متقی‌زاده، دکتر غلامرضا مصباحی‌مقدم، دکتر شمس الملوک مصطفوی، دکتر نعمت‌الله فاضلی، دکتر محمد علی مظاهری، دکتر علیرضا ملایی توانی، دکتر محمدرضا موحدی، دکتر سید جمال موسوی، دکتر توکل حبیب زاده، دکتر سید مهدی موسوی، دکتر سید حسین میرجلیلی، دکتر هادی وکیلی، دکتر حسین هوشنگی، دکتر عباسعلی زالی، مشاور ریاست مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دکتر حمیدرضا فرمند، مدیر کل نظارت و ارزیابی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و دکتر محمد حسین پناهی، رئیس اندیشکده امور اجتماعی مرکز الگو.

بررسی الگوی پایه پیشرفت

سفران: دکتر سیدحسین میرجلیلی *

بسم الله الرحمن الرحيم

با انتشار سند الگوی پایه پیشرفت در مهرماه ۱۳۹۷، مقام معظم رهبری از دانشگاهیان خواستند به بررسی عمیق سند الگوی پایه بپردازند. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران این سند را عمیقاً بررسی نمایند و با ارائه پیشنهادهای مشخص برای ارتقای آن بیش از پیش در ترسیم هدف و مسیر پیشرفت کشور مشارکت جویند (بند پنجم فراخوان رهبری، مورخ ۱۳۹۷، ۷، ۲۲). مقام معظم رهبری جایگاه سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را «چارچوب بالادستی سیاست‌های کلی» برای مجمع تشخیص مصلحت نظام و «سند بالادستی قوانین برنامه‌های کشور» برای مجلس شورای اسلامی تعیین نمودند (بند اول و دوم فراخوان رهبری، مورخ ۱۳۹۷، ۷، ۲۲). بر این اساس، سند الگوی پایه پیشرفت از جایگاه رفیعی در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

معرفی سند الگوی پایه پیشرفت

- * الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شامل ۵ بخش: مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است.
- * مبانی، شامل مبانی خداشناختی، مبانی جهان‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی و مبانی دین‌شناختی است.
- * آرمان‌ها، ارزش‌های بنیادین جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است.
- * رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.

*از نظر افق پیشرفت، تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی، برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضائی عادلانه تأمین شده است. در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود.

*تدابیر شامل ۵۶ تدبیر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... برای رسیدن به اهداف الگو است.

بررسی سند الگوی پایه

در این زمینه ابتدا چند مورد بررسی کلی در مورد الگوی پایه ارائه می‌شود و سپس کاستی‌های متن سند بیان می‌گردد.

الف) بررسی‌های کلی

بررسی‌های کلی شامل بررسی مفهوم و کاربرد پیشرفت و توسعه، مفهوم الگو، روش شناسی تدوین الگو و جایگاه آینده‌شناسی در تدوین الگوی پیشرفت است.

اول) پیشرفت و توسعه

de+envelop به معنای خروج از لفاف است. توسعه، خروج از لفاف سنت و مدرن شدن است. از این رو "انکشاف" معادل گویاتری از توسعه است.

Nisbet (۱۹۸۰) در "تاریخ ایده پیشرفت" و shanin (۱۹۹۸) در مقاله "ایده پیشرفت" و Benoist (۲۰۰۸) در مقاله "تاریخچه مختصر ایده پیشرفت"، نظرات طرفداران نظریه پیشرفت مانند فرانسیس بیکن، برنارد دوفونتل، ولتر، کندورسه، هولباخ، دیدروت و جان لاک را تبیین می‌کنند.

پیشرفت در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی در عصر روشنگری مطرح شد. پیشرفت، برداشتی سکولار و برای عبور از محدودیت‌های کلیسا در قرون وسطی در اروپا و از پیشفرض‌های مدرنیته بود. پیشرفت به معنای تقویت ارزش و جایگاه فرد بود. پیشرفت، ایدئولوژی تجدد طلبان بورژوا در عصر روشنگری بود که در برابر سنت طلبان فئودال به پیروزی رسید. (بارتلی، ۱۳۷۴، ص ۳)

شکوفایی علمی و فناوری و رونق اقتصادی، نقاط تمرکز نظریه پیشرفت بود.

ایده (قدیمی) پیشرفت تا قبل از جنگ جهانی دوم مطرح بود. اما پس از جنگ جهانی دوم ایده (جدید) توسعه، از درون نظریات پیشرفت متولد شد. مهمترین تمایز پیشرفت و توسعه، عنصر برنامه‌ریزی در توسعه است که در پیشرفت مطرح نیست (دیوسالار، ۱۳۹۰، صص ۲۰۶-۲۲۳). بنابراین پیشرفت و توسعه، مفاهیم رقیب نیستند بلکه پیوستگی و تقدم و تاخر دارند. پیشرفت در زبان فارسی به معنای به پیش رفتن و حرکت به جلو است و مخالف پس‌رفت و سکون است. اگر مقصود از پیشرفت در الگو، پیشرفت همه‌جانبه (مادی و معنوی) باشد (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵، صص ۱۴-۱۶)، آنگاه توسعه هم می‌تواند همه‌جانبه در نظر گرفته شود.

دوم) الگو

الگو به معنای مدل: مدل، ساده شده واقعیت و مبتنی بر نظریه است و رابطه میان متغیرها را مشخص می‌کند. الگوی پیشرفت، مبتنی بر نظریه نیست و به دنبال ساده‌سازی واقعیت و بیان رابطه میان متغیرها نمی‌باشد. در متون الگوی پیشرفت منتشره مرکز الگو، الگو به معنای نقشه راه است برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب. (مرکز الگو، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹، ۱۰، ۹)

نقشه راه، اصطلاحی در مدیریت است که نحوه رسیدن به آینده مورد نظر را برای مدیران اجرایی بیان می‌کند (ابطحی و منتظر، ۱۳۹۰، صص ۱۰۶-۱۳۵). نقشه راه اصطلاح متداول در ایران است و در برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌ها و کسب و کار در افق میان مدت (سه تا پنج سال) استفاده می‌شود، هر چند در متون علمی مدیریت در سطح جهان به ندرت استفاده می‌شود.

به نظر می‌رسد ادبیات برنامه‌ریزی استراتژیک مد نظر تدوین‌کنندگان الگوی پیشرفت بوده است که در آن هدف نهایی (آرمان)، مأموریت (رسالت)، اهداف مشخص (افق)، ارزش‌ها و اقدامات (تدابیر) در نظر گرفته می‌شود. اما این نوع برنامه‌ریزی برای سطح یک سازمان و یک کسب و کار استفاده می‌شود و در زمینه برنامه‌ریزی پیشرفت در سطح یک کشور از آن استفاده نمی‌شود و به جای آن از برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت استفاده می‌شود که سازوکاری کاملاً متفاوت با آن دارد. در متون مرکز الگو، الگو را نقشه راه و چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف کرده‌اند که همان تعریف طرح ریزی و برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت است.

طرح یا برنامه توسعه بر سه نوع است: کوتاه مدت (بودجه یکساله)، میان مدت (برنامه توسعه ۳-۵ ساله) و بلندمدت (برنامه چشم‌انداز ۱۰ ساله و بیشتر). از

آنجا که قرار است الگوی پیشرفت برای ۵۰ سال آینده تدوین شود، نوعی برنامه بلندمدت (چشم‌انداز) است.

سوم) روش تدوین: مبناکرایی یا مسئله‌گرایی

در الگوی پایه، روش تدوین الگو بیان نشده است و تنها به طور ضمنی و با بررسی آن قابل حدس یا شناخت است. به نظر می‌رسد بخش مبانی به صورت منفک از سایر بخش‌های (برگرفته از برنامه‌ریزی استراتژیک) الگو تدوین شده و سپس در کنار یکدیگر قرار داده شده است. به همین جهت ارتباط ارگانیک میان این دو بخش کمتر به نظر می‌رسد.

در زمینه مبانی، به نظر می‌رسد دیدگاه تدوین کنندگان الگو آن بوده است که به منظور طراحی الگوی پیشرفت، برای آنکه از اساس، الگوی اسلامی باشد، ابتدا مبانی آن تدوین شده تا از عناصر غیراسلامی سایر الگوهای توسعه و پیشرفت، پیراسته گردد. به همین منظور ابتدا مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی برای الگو تدوین شده است (مختاریان پور، ۱۳۹۵، ص ۲۰)

در این زمینه گفته شده است اصلی‌ترین ویژگی الگوی پیشرفت، ابتدای آن بر ارزش‌ها و بینش‌های اسلامی است. به همین دلیل تبیین و تحلیل زیرساخت‌های لازم اعم از هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ... برگرفته از منابع اسلامی، زیربنای اصلی الگوی پیشرفت را فراهم می‌کند. (مرکز الگو، ۱۳۹۱، ص ۱۲)

شروع از مبانی و استخراج سایر موارد الگوی پیشرفت از مبانی، مهمترین نقد روش‌شناسانه به روش تدوین الگو است.

در برنامه‌ریزی پیشرفت نمی‌توان از مبنا به اهداف (آرمان و افق) رسید. اما می‌توان از وضع موجود به وضع مطلوب رسید. در نظر گرفتن مبانی، ضرورت دارد؛ ولی با شروع از مبانی و استخراج سایر موارد الگو از مبانی، تفاوت دارد.

الگوی پیشرفت تأکید دارد که بر جهان‌بینی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی استوار بوده و بدین طریق از مبانی توسعه غربی فاصله می‌گیرد (عنبری، ۱۳۹۵، ص ۵)

همانطور که در بخش قبلی گفته شد الگو را نقشه راه تعریف کردند که چگونگی حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را بیان می‌کند. این تعریف برنامه است. هر برنامه از تبیین وضع موجود شروع می‌شود که همان مسئله‌شناسی یا آسیب‌شناسی است. وضع مطلوب، رفع آسیب‌ها و حل مسائل است و چگونگی رسیدن، سیاست‌ها نامیده می‌شود.

مهمترین نقد روش شناسانه به سند الگوی پیشرفت این است که باید مسئله محور باشد، درحالی که مبنامحور است. البته در نظر گرفتن مبنای برای عدم مغایرت اهداف و سیاست‌های سند لازم است ولی با روش سند الگوی پایه متفاوت است. برای تدوین برنامه پیشرفت و توسعه باید از مسائل موجود توسعه (پیشرفت) ایران شروع کرد، وضع مطلوب آن را تدوین کرد و چگونگی رسیدن را به صورت سیاست مطرح کرد و در هر سه، با مبنای محک زد.

تدوین برنامه توسعه (پیشرفت) بر اساس اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و قانون برنامه و بودجه صورت می‌گیرد که در آن برنامه‌های میان مدت برای دوره پنج ساله و برنامه درازمدت برای دوره ده ساله و بیشتر تدوین می‌شود. بر همین اساس، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای بیست سال تدوین گردید.

چهارم) فقدان آینده شناسی در تدوین الگو

به‌رغم آنکه این سند، برنامه پیشرفت برای ۵۰ سال آینده است، اما هیچ تصویری از ۵۰ سال آینده ایران، منطقه و جهان، ارائه نمی‌دهد. فقدان آینده‌شناسی از ضعف‌های بزرگ سند است.

سند الگوی پیشرفت، فاقد دیدگاهی در زمینه آینده نگرانی تحولات علمی در افق ۵۰ سال آینده است. تدابیر پنج‌دهه آینده مستلزم آینده‌شناسی پنج‌دهه آینده و ارائه تدابیر با توجه به آنست. مثلاً: فناوری بلاک چین، ارز دیجیتال، انرژی‌های جایگزین، رباتیک و...، اقتصاد، سیاست، روابط اجتماعی و فرهنگی و مشاغل آینده را تغییر خواهد داد. بدون توجه به تحولات علمی آینده، ترسیم برنامه پیشرفت پنج دهه آینده، چگونه امکان پذیر است؟

مروری بر تدابیر سند الگو حاکی از آن است که سیاست‌های کنونی، مبنای رسیدن به اهداف الگو قرار داده شده است. در حالیکه روش‌شناسی برنامه‌نویسی اینست که باید از شناخت آینده به امروز رسید و برنامه تهیه کرد.

ب) بررسی‌های متن سند

در این بخش ابتدا کاستی‌های کلی متن سند و سپس کاستی هر یک از بخش‌های سند الگو بیان می‌گردد.

اول) کاستی‌های کلی متن

سند الگوی پایه در مهر ۱۳۹۷ ارائه شده و قرار است در مهر ۱۳۹۹ نهایی شود و سند بالادستی تا ۱۴۴۴ باشد. درحالی که سند چشم‌انداز در ۱۴۰۴ خاتمه می‌یابد.

بنابراین اجرای سند از سال ۱۳۹۴ شروع شده است؟!
سند الگوی پایه، فاقد تعاریف است. به همین جهت بحث‌های زیادی در مورد مفاهیم و روش‌ها و مباحث سند الگو مطرح شده است.
الگو (نقشه راه) و برنامه، دارای ارقام وضع موجود، وضع مطلوب و اهداف کمی سیاستی است که سند فاقد آن است. سند، فاقد آمار و ارقام است.
برنامه‌های درازمدت یا چشم‌انداز در دنیا، عمدتاً بیست ساله است. در حالی که این سند ۵۰ ساله است. به دلیل تغییرات ساختاری که طول زمان اتفاق می‌افتد، عملاً بیش از ۲۰ سال قابل پیش بینی و برنامه‌ریزی چشم‌انداز توسعه و پیشرفت نیست. سند الگو، فاقد شاخص‌های پیش است.
سازوکار اصلاح و بازنگری در الگوی ۵۰ ساله، در نظر گرفته نشده است.
سند الگو، در واقع برنامه بلندمدت و چشم‌انداز است، اما قبل از تهیه آن هیچ ارزیابی از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشده است. در حالی که پیش‌نیاز تهیه چشم‌انداز جدید، ارزیابی چشم‌انداز قبلی است.
سند الگو، برنامه بدون زمان است. وقتی اهدافی تعیین می‌شود باید زمان دستیابی به هر یک از اهداف میانی یا نهایی تعیین شود.
به نظر می‌رسد تدوین الگو با نگاه بالا به پایین انجام شده است. تجربه برنامه‌ریزی توسعه حاکی از عدم تحقق چنین برنامه‌هایی است. یکی از دلایل موفق بودن برنامه سوم پس از انقلاب آن بود که از پایین به بالا تدوین شد.
در مقدمه سند گفته شده که الگوی پایه، چارچوب الگوی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی در نیم قرن آینده است، در حالی که به نظر می‌رسد چهار مورد یادشده در افق، آرمان و رسالت تبلور نیافته است.
هر برنامه توسعه (پیشرفت) به دلیل محدودیت منابع، مجبور به انتخاب و اولویت‌بندی میان اهداف و طرح‌ها و است. در الگو، اهداف بزرگ، متنوع و مجموعه آرزوها، بدون توجه به محدودیت منابع، ذکر شده است.
ضمانت التزام به اجرای الگو، در سند ذکر نشده است. دولتهای گذشته اعلام کردند که یک برنامه توسعه را قبول ندارند و آن را اجرا نکردند. دولت دیگری نیز اعلام کرد برنامه تهیه نمی‌کند و مجلس توانست تنها احکام برنامه را به کمک دولت تهیه کند.
سند الگو، فاقد بازخورد و نهاد مسئول برای پیش و تعدیل الگو است و لذا فاقد پویایی است.
به نظر می‌رسد سند الگو، از تجربه تهیه برنامه‌های درازمدت تهیه شده در ج.ا.ایران و برنامه‌های درازمدت سایر کشورها، در تدوین سند الگو، استفاده نکرده است.

دوم) بررسی‌های بخش مبانی سند

با توجه به مبنامحور بودن سند، چگونگی استخراج تدابیر از مبانی، روشن نیست. مبانی ذکر شده نه تنها برای الگو بلکه برای موضوعات فراوانی قابل استفاده است. درحالی‌که برای الگوی پیشرفت، لازم بود "مبانی پیشرفت" ارائه شود. به جای این مبانی بعیده برای الگو، لازم بود "مبانی و اصول پیشرفت" تدوین شود تا در تدوین الگو از آن استفاده شود. یکی از نواقص مبانی، فقدان مبانی و نظریه پیشرفت است. از اینرو مسئله شناسی که نیاز به نظریه برای انتخاب مسائل دارد، بالاچار باید از نظریه رایج توسعه استفاده کند. مبانی خدانشناسی همردیف سایر مبانی نیست. درحالی‌که همردیف ذکر شده است. در مبانی انسان‌شناختی، در باره "حیات پس از مرگ" گفته شده است، درحالی‌که حیات پس از مرگ، از مبانی جهان‌شناختی (جهان بینی) است. در مبانی انسان‌شناختی گفته شده که "حقیقت آدمی مرکب از ابعاد فطری و طبیعی و ساحات جسمانی و روحانی است". درحالی‌که حقیقت آدمی مرکب از ساحات جسمانی و روحانی نیست، بلکه حقیقت آدمی، روح است. (تفسیر المیزان به خوبی این موضوع را توضیح داده است.)

سوم) بررسی‌های بخش افق در سند

وقتی گفته می‌شود در سال ۱۴۴۴ جزو ۴ کشور برتر آسیا و ۷ کشور برتر دنیا خواهیم بود، آیا بدین معنا نیست که ۴ کشور از ۷ کشور برتر در آسیا هستند؟ یعنی فقط ۳ کشور برتر دنیا خارج از آسیا است؟ (اتحادیه اروپا کشور نیست بلکه ۲۷ کشور است.)

منطق انتخاب رتبه چهارم یا... در منطقه مشخص نیست که چگونه بدست آمده است؟ نام کشورهای رقیب ذکر نشده است تا قابل بررسی باشد؟ مقصود از منطقه در سند الگو مشخص نشده است که آیا مقصود خاورمیانه است یا منطقه منا (خاورمیانه و شما آفریقا) است یا منطقه دیگری مد نظر است.

افق که همان اهداف و دورنما است، به صورت کلی بیان شده است. درحالی‌که اهداف بخش فرهنگ با بخش سلامت، کشاورزی، صنعت، اجتماعی و... تفاوت دارد. در افق ذکر شده که در سال ۱۴۴۴ ایران باید از نظر سطح پیشرفت و عدالت، جزء ۴ کشور برتر آسیا و ۷ کشور برتر دنیا باشد. چرا ۳ یا ۵ نباشد؟ آیا شاخص‌هایی در الگو ارائه شده که رتبه پیشرفت و عدالت، قابل سنجش باشد؟ رتبه بالای چاپ مقاله در منطقه، چه نقشی در پیشرفت کشور داشته است؟

اگر بخواهیم در سال ۱۴۴۴ از نظر سطح پیشرفت و توسعه در شمار ۴ کشور برتر آسیا و ۷ کشور برتر دنیا باشیم، لازمه آن رشد اقتصادی دو رقمی طی چند دهه آینده است. اما متوسط رشد اقتصادی ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۴ معادل ۱٫۶ درصد و رشد اقتصادی سال گذشته و سال جاری، منفی است. "چگونه" با این عملکرد، ناگهان رشد اقتصادی دو رقمی به طور مستمر خواهیم داشت تا رتبه برتر کسب کنیم؟ سازوکار آن در این الگو نیامده است.

در افق گفته شده که افق... "هدف‌های واقعی" آحاد مردم، جامعه و حکومت... را معین می‌سازد. مقصود از "هدف‌های واقعی" در سند مشخص نشده است.

چهارم) بررسی‌های بخشی تدابیر در سند

حاکمیت (عمدتاً دولت)، عامل اصلی اجرا و تحقق ۵۶ تدبیر است. مشارکت مردم و همه ذینفع‌ها در تحقق سند الگو، در نظر گرفته نشده است.

عمده تدابیر سند، همان وظایف جاری دولت است. مانند: تسهیل ازدواج، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای، ترویج تغذیه سالم... درحالی‌که هدف از تهیه برنامه درازمدت ۲۰ ساله، جهت‌دهی، انسجام‌بخشی و چارچوب‌دهی به برنامه‌های پنج ساله و سیاست‌های کلی است.

عمده تدابیر ذکر شده در سند، پیگیری روند گذشته است، از طریق: ارتقاء، تاکید، گسترش، ترویج، تقویت، ... است. در این صورت تدوین الگو، چه ضرورتی دارد؟ یکی از تدابیر آن است که وابستگی بودجه به نفت، ظرف ۱۵ سال آینده قطع شود. درحالی‌که این هدف در چهل سال گذشته، ترجیح بند اسناد برنامه‌های کشور بوده است. مواردی که سهم نفت کاهش یافته، به دلیل تحریم‌ها بوده است. حال چگونه قرار است در ۱۵ سال آینده این هدف تامین شود؟

تدابیر سند الگو، هیچ موضعی نسبت به بخش خصوصی اتخاذ نکرده است. درحالی‌که بخش خصوصی، موتور رشد اقتصادی و عامل مهم پیشرفت است. دولت به تنهایی نمی‌تواند اهداف الگو را محقق کند.

تدابیر سند الگو، هیچ موضعی نسبت به رشد اقتصادی فقر زدا و فراگیر، نابرابری، قانون کار، تضعیف پیایی ارزش پول ملی، مهاجرت نخبگان، ابرچالش‌های اقتصاد ایران، شایسته سالاری، تغییر اقلیم، دستگاه قضایی و... اتخاذ نکرده است.

تدابیر سند الگو، هیچ موضعی نسبت به دولتمردان و مجریان الگو (یعنی نظام بروکراسی، رانت‌جویی، گروه‌های ذینفع) ندارد. درحالی‌که از عوامل مهم عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در ایران، مربوط به اجرا بوده است.

تزامن تدابیر (مانند: کاهش همزمان تورم و بیکاری و...) در الگو، مستلزم آرایه رجحان و اولویت‌بندی است.

پیشنادهایی برای ارتقای سند الگوی پایه پیشرفت

از آنجا که طبق مقدمه سند، مبانی، پیش فرضهای الگو (برنامه درازمدت) است، می‌تواند به عنوان پیش‌فرض‌های الگو (برنامه درازمدت) به حساب آید. آرمان، رسالت و افق نیز می‌تواند در ادامه پیش‌فرض‌ها ذکر شود.

بخش اول سند به بیان وضع موجود و آسیب‌شناسی توسعه (پیشرفت) ج.ا.ایران و روند متغیرها در صورت ادامه وضع موجود، اختصاص یابد. به‌رغم اجرای پنج برنامه توسعه قبل از انقلاب و شش برنامه توسعه پس از انقلاب، همچنان توسعه (پیشرفت)، یک مسئله برای کشور است و باید آسیب‌شناسی شود. افق زمانی الگو (برنامه درازمدت) به ۲۰ سال (یا یک برنامه ۱۰ ساله و دو برنامه بیست ساله) محدود شود.

بخش دوم الگو (برنامه درازمدت)، به بیان اهداف مشخص و مطلوب در هر بخش در دوره زمانی ۲۰ ساله پردازد، به‌گونه‌ای که طی ۴ برنامه ۵ ساله قابل پیگیری باشد. بخش سوم الگو (برنامه درازمدت) به ارائه سیاست‌های کلان دستیابی به اهداف، به تفکیک بخش‌ها پردازد و شاخص‌های پایش، نهاد مسئول و ناظر را معرفی نماید.

سازوکار بازنگری، در برنامه غلتان بلندمدت، در برنامه تعبیه شود. از آنجا که مطالعات سند الگو، چهارچوب نظری پیشرفت ارائه نکرده است، چهارچوب نظری آسیب‌شناسی وضع موجود توسعه (پیشرفت) می‌تواند از چهارچوب دانش نظری توسعه با لحاظ دیدگاه‌های اسلامی و رعایت عدم مغایرت، استفاده کند. بدلیل فنی بودن تدوین برنامه بلندمدت، از متخصصان برنامه‌ریزی توسعه (پیشرفت) استفاده شود. در تدوین برنامه بلندمدت از تجربه کشورهای آسیایی (چین، هند و عربستان) در برنامه ۲۰۳۰ بهره برداری شود.

امیدوارم بررسی‌هایی که در مورد سند الگو مطرح شد، در ارتقای الگوی پیشرفت مفید باشد.

والسلام

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مباحث مطرح شده در نشست بررسی سند الگوی پایه پیشرفت

دکتر زالی: تشکر می‌کنم از جلسه‌ای که تشکیل شده و ان‌شاءالله نتایج مطلوب را داشته باشد. یکسری از مسائلی که مطرح شد پاسخ گفتن به آنها در وقت و زمان این جلسه نمی‌گنجد. دوستان مستحضرند که مقام معظم رهبری ۳۰۴ سال پیش با اندیشمندان کشور صحبت کردند و در اواخر سال ۸۹ برای این که این طرز فکر دنبال شود و نتیجه‌ای داشته باشد، باید کسی را مسئول کار کرد. بنابراین مرکزی با امکانات محدود شروع به کار کرد و مقام معظم رهبری فرمودند که باید از همه امکانات کشور یعنی دانشگاه‌ها و نخبگان کشور کمک گرفته شود که در این رابطه اندیشکده‌هایی به وجود آمد که مسائل در اندیشکده‌ها همیشه مطرح بوده و هست. مسئله دوم بحث‌های کلانی که در رابطه با توسعه و پیشرفت مقام معظم رهبری هدف خود را از پیشرفت مطرح کردند که وقتی توسعه غربی در جاهای دیگر هم مطرح بوده ولی در جامعه ما توسعه فقط پیشرفت زندگی مردم دانسته است. مقام معظم رهبری فرمودند که خطوط کلانی را در کشور تسهیل کنیم که مجموعه سیاستگذاری‌ها از آن گرفته شود و فرمودند که ما زیگزاگی حرکت کرده‌ایم. اگر بخواهیم این چیزهای مشخص را داشته باشیم باید استوار باشیم بر فرهنگ گذشته مردم، کشور و شرایط اقلیمی که بتوان براساس آن حرکت کرد. یک اصول کلی باید برنامه‌ریزی‌ها مورد رعایت قرار بگیرد. چشم‌انداز ۵۰ ساله را بررسی کردیم و دریافتیم که اگر بتوانیم ظرفیت‌های بالقوه کشور را بالا ببریم و جهت‌گیری‌های کلان که سیاستگذاری‌ها در ذیل آن تنظیم شود و از سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ها تعیین می‌شوند. یکی از دلایلی که برنامه‌هایی که از آن نتیجه‌ای حاصل نشده این است که نخبگان کشور در این برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها دخیل نبودند. یکی دیگر عزم ملی است که در آن مجلس و دولت هر کدام یک حرفی برای خودشان می‌زنند و مردم هم به راه خود می‌روند. قسمت عمده که آقای دکتر داشتند این بود که برنامه را اشتباه گرفته‌اند که این اصلاً برنامه نیست و حتی سیاستگذاری کلان هم نیست. ظرفیت بالقوه از نظر ژئوپولیتیکی بهترین جای منطقه را در دنیا داریم و تا به حال از این ظرفیت‌ها و سیستم توسعه آبی استفاده نکرده‌ایم.

دکتر پناهی: ممنون هستم از این جلسه‌ای که تشکیل شده و الگویی که به این شکل تهیه شده بررسی شده است. به نظر من بسیاری از نکاتی که آقای دکتر فرمودند اشاراتی هستند که باید به آنها بپردازیم و رفع و رجوع کنیم. ما در

اندیشکده امور اجتماعی مرکز الگو در ۹ صفحه مواردی که به عنوان چالش‌های جدی الگوی پایه که باید به آنها پرداخته شود تدوین و تنظیم کرده‌ایم و به مرکز داده‌ایم و خیلی از نکاتی که آقای دکتر فرمودند در آنجا هم آمده و امیدوارم که مورد استفاده قرار بگیرد. بخش دیگر نکاتی که فرمودند نکاتی هست که در مرکز مدنظر و بنا بر اعمال آنها هست، از جمله این که باید زمان‌بندی و برنامه‌ریزی شده و سیستم پایش مشخص شود و همه اینها در دستور کار قرار دارند. بعضی از نکات دیگر توضیحی هستند که فرصت بیشتری می‌طلبند. همه ما باید دست به دست هم بدهیم و سندی که قابلیت اجرایی داشته باشد تنظیم شود. اگر بخواهیم سند اجرایی شود و به سرنوشت اسناد دیگر مبتلا نشود باید چه اتفاقاتی بیفتد. باید به سمتی حرکت کنیم که سند به نحوی ارتقاء پیدا کند و بازسازی شود که قابلیت اجرایی داشته باشد و به هدف آن که راهنمایی بلندمدت استراتژیک برای توسعه کشور هست برسیم.

دکتر فرهمند: اولین نکته این است که اختصاص دادن چند دقیقه نشان می‌دهد که ما نیازمند یک الگوی توسعه هستیم. ما در این مدت اندک نمی‌توانیم بررسی علمی داشته باشیم. آقای دکتر میرجلیلی هفته‌ها وقت گذاشتند مطالب را جمع کردند حالا ما باید در ۵ دقیقه پاسخ بدهیم. نه روش علمی است و نه مسئله‌محور است. برنامه‌هایی که در این سال‌ها داشته‌ایم نتوانسته کاری کند که ما در این موضوع علمی حرکت کنیم. شرایط باید طوری باشد تا به شرایط علمی نزدیک شویم. نکته دوم این که برای بررسی موضوع اول باید دریچه دید را یکسان کرد و از دریچه‌های مختلف به این موضوع نگاه کردن و تعریف دادن اجازه نخواهد داد که بحث مشترکی در بگیرد و موانع و روش و منطق آن صحیح نخواهد بود. مسائلی که آقای دکتر در مورد الگو مطرح کردند این بود که به یک نظام برنامه‌ریزی نگاه می‌کنیم؛ اما تقسیم‌بندی ایشان در نظام برنامه‌ریزی صحیح نبود. تعبیر دیگر من از نظام برنامه‌ریزی این است که اصلاً برنامه یک ساله، برنامه نیست؛ بلکه در نظام کشور، بودجه است. برنامه‌های کوتاه‌مدت، سه تا پنج ساله هستند و برنامه‌های میان‌مدت هم پانزده تا بیست ساله هستند و برنامه‌های درازمدت، ۳۰ تا ۴۰ ساله هستند. آیا با یک برنامه می‌شود مسیر حرکت جامعه را در ۵ سال تعیین کرد؟ جواب منطقی خیر است. بنابراین در یک برنامه میان‌مدت ۱۵ یا ۲۰ ساله طوری طراحی می‌شود که سه یا چهار برنامه ۵ ساله در درون آن آزمایش و صحت‌سنجی شود و منطق برنامه ۲۰ ساله از اینجا وارد نظام برنامه‌ریزی می‌شود. برای اولین تجربه براساس تجربه ناقص بعد از انقلاب وارد برنامه چشم‌انداز شدیم که این برنامه را هم تمام نکردیم. بسیاری از مسائل انسانی، تحولاتی که در جامعه اتفاق می‌افتد

و مسائل سیاسی، تکنولوژی در همین بازه ۲۰ ساله اتفاق می‌افتد که صحت آن برنامه‌ریزی میان مدت، سنجش می‌شود. از این مرحله به بعد برنامه‌های ۲۰ ساله در کشور ما بر مبنای یک نظریه منتخب باید اتفاق بیفتد. سؤال این است که نظریه منتخب در برنامه چشم‌انداز ما چه بوده است؟ نظام برنامه‌ریزی می‌گوید برای انجام چنین برنامه درازمدتی جامعه باید نظریات مختلفی برای تحول و تکامل خود داشته باشد و سیستم سیاست‌گذاری آن باید یکی از این‌ها را انتخاب کند و برنامه ۲۰ ساله را در آن انجام دهد. هنوز جامعه ما به چنین نظریه‌ای نرسیده است. ماده و موضوع بحث توسعه است و یک اتفاق بشری و تجربه‌ای رخ داده که این دستاورد زندگی انسان را در بخشی از زمین متحول کرده است و خود را گسترش می‌دهد و هیچ جامعه انسانی هم به صورت مستقل و جزیره‌ای حرکت نمی‌کند. برای جامعه ما آیا می‌توانیم آن الگوها را با آن تئوری‌ها استفاده کنیم یا خیر؟ این یک دیدگاه کاملاً مسئله‌محور است. آیا ما زیستن مطلوبی که برای خودمان ترسیم می‌کنیم همین زیستن مطلوبی که در دنیای معاصر هست؟ ممکن است بعضی استدلال کنند که نه زیستن مطلوب ما همان است. صحبت بر سر این است که زیستن مطلوب ما چگونه زیستن است؟ ما در سطح دنیا اعلام کرده‌ایم که این چهارچوب حرکت جمهوری اسلامی است اگر چهارچوب واقعاً همین باشد کار خیلی بد و عجیبی در سطح دنیا انجام داده‌ایم. اگر نوع دیدگاه خودمان را عوض کنیم شاید ببینیم که این چهارچوبی با زیستن مطلوب آینده ما چیست و حرکات زیگزاگی جزئی از اینهاست.

دکتر توسلی: نکته‌ای که در بحث‌های مغفول بود این است که چند سال پیش طرح پیمایش ملی ایرانیان در وزارت ارشاد انجام می‌شد که متوقف شد و بعد از ۱۰ سال دوباره تلاش شد که این دوباره انجام شود. نتیجه تمام این بحث‌ها این است که سو و نگرش‌هایی که در ایرانیان ثابت است و ما براساس آن از بالا می‌خواهیم آن را درست کنیم. در بخش کار و فرهنگ در دنیا چیزی به نام پیمایش جهانی ارزش‌ها وجود دارد که روی آن کار می‌کنند و کشورهای پیشرفته هم هر سال نگرش‌ها را رصد می‌کنند که برنامه‌های خود را متناسب با آن تنظیم کنند.

دکتر مصطفوی: گزارش آقای دکتر میرجلیلی، خیلی دقیق و قابل اعتنا بود. ولی این زمان خیلی کوتاه است، به همین دلیل فقط به سه نکته اشاره می‌کنم. اول ارتباطی که بین مبنا و مسئله هست که آقای دکتر فرمودند که باید مسئله‌محور باشد که اینها نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند. دوم برنامه‌ای که فرمودند چالش‌برانگیز بود. به نظر برنامه همیشه معطوف به موارد جزئی نیست. بنابراین می‌تواند وجوه و امکانات اجرا را مدنظر قرار دهد. سوم آقای دکتر توسلی اشاره کردند تغییرات

جامعه هست که باید لحاظ شود.
دکتر مظاهری: این سند را قبلاً خوانده بودم و قرار است که به عنوان روان‌شناسی بحث سلامت روانی همچنین موضوع خانواده در آن بررسی شود. یک نکته این که آقای دکتر در مورد چارچوب فرمودند این سؤال مطرح است که نسبت این سند با قانون اساسی چیست؟ اگر فراتر از آن است که نباید باشد و حتی اگر موازی با آن هست هم باز نباید باشد. اگر فروتر از آن است که آقای دکتر فرمودند که برنامه و سیاست و سیاست کلان نیست. پس نسبت آن را با قانون اساسی بیان بفرمایید. سؤال بعدی این است که اگر سال ۵۸ یا ۶۸ و یا ۷۸ چنین سندی می‌نوشتیم، غیر از اینها چه چیزی می‌نوشتیم؟

دکتر روحی: چند سؤال در اینجا مطرح است؛ در چه موقعیتی سند می‌نویسند؟ فسادی که در جاهای مختلف کشور وجود دارد را اول باید برطرف کرد و بعد دنبال پیشرفت باشیم. موقعیت سندنویسی برای یک کشور چه موقعی است؟ نکته دوم این که چقدر پول صرف این کار شده است؟ نکته سوم این که چه کسانی این کار را انجام داده‌اند؟ کسانی که یک سر دارند و هزار سودا یا فارغ‌البال این کار بودند؟ دکتر مصباحی مقدم: الگو ترسیم وضعیت مطلوب است. وضعیت مطلوب، وضعیتی است که در آینده باید مشخص شود. برنامه بلندمدت برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید باشد که این برنامه می‌تواند ۳۰ ساله، ۴۰ ساله و حتی ۱۰۰ ساله باشد. مهمترین مسئله در قضیه رسیدن به الگوی مطلوب، شناسایی مسائل کشور است و برای این که مسئله‌شناسی داشته باشیم باید آسیب‌شناسی ۴۰ سال قبل و از جمله آسیب‌شناسی چشم‌انداز ۲۰ ساله را داشته باشیم. نکته‌ای که مهم است ترتب این مسائل و اینکه کدام مسئله مبتنی بر حل کدام مسئله است و نهایتاً همواره میانی و آرمان باید چهارچوب مفهومی هم در ترسیم الگو و هم در آسیب‌شناسی و هم در تدوین برنامه باشد.

دکتر دری: نکات مدنظر را دوستان اشاره کردند. یکی از مهمترین مشکلات پیش روی ما گسست‌های نسبی و مطلق سیاست‌ها و برنامه‌هایی که روی هم قرار گرفته‌اند و در واقع هم پوشانی دارند. در حال حاضر که در آستانه سال ۱۶ یا ۱۷ چشم‌انداز ۲۰ ساله هستیم و می‌توانیم ۷۵٪ برنامه گذشته را مبتنی بر چشم‌انداز بررسی کنیم. آیا ما نقطه وصلی از مسائل قبلی به مسائل بعدی که شروع آن بتواند این الگو باشد داریم یا نداریم؟ اگر نقطه اتصالات مشخص شود برنامه ۵۰ سال آینده از جایی شروع می‌شود که نواقص برنامه‌های قبلی به هر دلیل و با هر موقعیت و شرایطی تحقق پیدا نکند و نقطه اتصال اگر محرز شد، می‌توان گفت که در چشم‌انداز روشن و منطقی برنامه‌های آتی چاره‌ای نداریم و باید برنامه ۵۰ ساله

دست کم به ۱۰ برنامه ۵ ساله تبدیل شود و نقطه‌های اتصال خروج و ورود هر کدام کاملاً محرز باشد تا پاسخگوی مسائل مبتلا به جامعه ما باشد.

دکتر خلجی: یک پیشنهاد، یک سؤال و یک نظر دارم. پیشنهادم این است که با توجه به این که میهمانان عزیز تقاضا داشتند صحبت کاملی داشته باشند، جلسه دیگری برگزار کنید. سؤال من از آقای دکتر میرجلیلی این است که وقتی این سند ارائه شد، نقدهای گسترده‌ای از نقدهای رادیکال تا همدلانه و تعریف و تمجید مطرح شد. آیا از آنها نیز بهره برده‌اید یا خیر؟ جنابعالی یک نقد کامل به لحاظ روشی، شکلی و محتوایی ارائه دادید. اما اگر از نقدهای دیگر استفاده شود کامل‌تر خواهد شد. به نظر من این سند اساساً هیچ نسبتی به نظریه‌های توسعه ندارد؛ یعنی به طور کلی فاقد بنیاد نظری مشخص است و تکلیف خود را با مکاتب مختلف توسعه مشخص نمی‌کند که کجای این مکاتب گوناگون توسعه قرار دارد که البته باید مشخص شود. دوم این که نسبت خودش را با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مشخص نمی‌کند. آقای دکتر زالی فرمودند ۱۳۹۰ مقام معظم رهبری فرمودند که این بحث شروع شود. ظاهراً ۱۰ سال سند چشم‌انداز هنوز تمام نشده بود. چگونه سندی که به نیمه راه نرسیده بوده است، سند دیگری جایگزین آن می‌شود. اگر آن سند ابلاغ شده است، باید تکلیف آن مشخص شده و نتایج آن سنجیده شده و بعد سند دیگری جایگزین آن شود. اما با توجه به فرمایش میهمان عزیز، این سند یک رهنامه عقیدتی است (نمی‌خواهم از واژه مانفیسست ایدئولوژیک استفاده کنم) که فقط می‌خواهد چشم‌انداز حیات طیبه ۵۰ ساله آینده را در ایران روشن کند؛ بنابراین نمی‌تواند مبنای یک الگوی توسعه قرار بگیرد.

دکتر تنکابنی: اول باید از آقای دکتر میرجلیلی بابت سخنرانی‌شان تشکر کنم که هم به لحاظ علمی یک نگرش علمی بود و هم دلسوزانه. نکته دوم این است که باید نقدپذیر باشیم و فرهنگ نقد و پذیرفتن نقد به‌طور واقعی صورت بگیرد. سه نوع برخورد می‌توان با موضوع نقد در جامعه انجام داد. اول این که بگوییم ما متفاوت فکر می‌کنیم و این اصلاً برنامه نیست و از مفاهیم گرفته شده و الفبای یک بعدی است. دوم این که در مقابل آن بایستیم و سوم این که نقد را بپذیریم. دریچه ما، دریچه علم است و باید به یک مفاهیم علمی در سطح ملی برسیم. ما باید فرهنگ نقد و پذیرفتن نقد را در کشور به صورت استراتژیک بپذیریم. نکته دیگر این که اگر در این سند ۵۰ ساله، روند تحولات منفی و مثبت حرکات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دیده نشود، در آن صورت فقط یک گفتمان آرمانی و آرزوهای یک ملت خواهد بود.

دکتر حبیب‌زاده: بنده صرفاً از منظر حقوقی دو سه نکته‌ای را عرض می‌کنم؛

نسبت این سند با قانون اساسی واقعاً مشخص نیست. نکته دوم این که در تدابیر، جایگاه مردم و نقش مردم در امر پیشرفت و توسعه را نمیتوان دید. یکی دو نکته را من توانستم در شماره ۴۱ و ۴۲ و تا حدودی ۴۷ ببینم. بنابراین وقتی در قرآن، حاکمیت خدا بر انسان بیان می‌شود، بلافاصله بیان می‌کند که او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است. بنده از اقتصاد و مدیریت می‌دانم که تأکید بیشتر به سمت رفتن به سوی اقتصاد خصوصی است. با این تفاسیر، جایگاه مردم کجاست؟ نکته بعدی این است که اگر سیاست‌های کلی و کلان نظام که در حال اجرا هست با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده و چالش‌هایی را در روند نظارت برای شورای نگهبان به وجود آورده است در این صورت، این سند در کجای این قضیه قرار دارد.

دکتر فاضلی: این سند به ما می‌گوید که چه چیزی نباید الگو باشد (اشاره به رویکرد نظری پوپر در حدس‌ها و ابطال‌ها...).

دکتر هوشنگی: در حال حاضر با انباشت سندهای بالادستی مواجه هستیم. یعنی وقت زیادی از نخبان و شوراهای بالادستی کشور، صرف تدوین سندهای ملی می‌شود و به سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و نهادها هم سرایت کرده است. آیا نباید یک نگاه اساسی از بالا به این پروژه کرد که سند بالادستی تدوین کرده‌اند تا کنون چه دردی از این کشور را دوا کرده به نسبت هزینه‌هایی که شده و سود آن چه بوده است. مسیری که دیگران رفته‌اند امر ناخودآگاهی بوده، جلو رفته و میانی آنها هم تحقق پیدا کرده و به صورت فرهنگی از پایین مسیر را طی کرده است. بعضی از جنگ جهانی دوم بررسی کردند که آن روشنگری به کجا انجامیده و بعد برنامه‌ریزی وارد شده است. واقعیت این است که آن مسیر که رفته‌اند و می‌خواهیم در برابر آن موضع بگیریم، پروسه بوده نه پروژه و برنامه‌ریزی. مطلب بعدی که آقای دکتر اشاره کردند به این که ما مسئله‌محور حرکت کنیم. آیا بررسی شده که زیگزایی رفتن هیچ پروژه و طرح و برنامه‌ای را به نهایت آن نرساندن، مشکل آن سند بالادستی بوده یا بدلیل نبود نهادهای متناسب بوده است.

دکتر قبادی: از همه دوستان تشکر ویژه می‌کنم. این نشان می‌دهد که شورای بررسی متون چقدر ظرفیت دارد و برای دانشگاه‌ها و مجموعه نهادهایی که با توسعه و آینده‌نگری سروکار دارند چقدر می‌تواند کمک کند.